يارانه هاي دولت عثماني به ولايت حجاز در سال­هاي 1886 ـ 1877

/ Willia L.Ochsenwald سامان صاحب جلال

هرچند از سفرنامه سيّاحان غربي، خاطرات ايام جوانيِ ناسيوناليست­هاي عرب و نيز گزارش­هاي ديپلماتيک، تا حدّي مي­توان به درک و دريافتي از ماهيت حکومت عثماني در ايالات عربي رسيد، اما تا کنون کار زيادي در اين باره صورت نگرفته است.

ولايت حجاز بيشترين اهميت را براي سلطان ـ خليفه ـ عثماني دارا بود والبته اين اهميت نه به­خاطر برخورداري حجاز از زمين­هاي حاصل­خيز و نه بخاطر مجاورت با نواحي اصلي دنياي تجارت، که براي خليفه عثماني نيز منافعی را به ارمغان مي­آورد بودکه به دليل داشتن ماهيت مذهبي مؤثر، که حکمراني عثماني را در منطقه وجاهتی می بخشیده و اهميت بسزايي را بر جای میگذاشته بوده است.

کنترل سياسي حجاز، مشترکاً به دست والي عثماني و حاکم يا امير ـ شخصی از تبار حضرت رسول اكرم(ص)ـ قرار داشت. بيشتر وقت­ها تعادل ميان والي و امير، بنا بر دلايلي چون ارتباط هرکدام از طرفين با سلطان، توانايي شخصي و رابطه ي خويشيِ امير با رؤساي قبايل باديه نشين، به­هم مي­خورد و حتي گاهي، کبر سن نيز در شکل­گيري برخي تصميمات نقش داشت.

وقتي دوران طولانيِ تصدّي امير عبدالله پاشا محمد بن عون (1877ـ 1857) سپري شد، دوره­اي از تغييرات سريع سياسي آغازگرديد. در مدت پنج سال، سه امير جديد، به نام­هاي؛ حسين­بن محمدبن عون(1880ـ 1877) عبد المطّلب بن قالب (1882ـ 1880) و عون الرفيق محمدبن عون(1905ـ1882)، از پي هم آمدند و رفتند.

البته واليان نيز مصون از اين تغييرات نبودند وحتي گاهي دوران تصدّي آن­ها کوتاه­تر از امرا نیز بوده، به گونه­اي ­که از سال 1857 تا 1882 پانزده والي، يكي پس از هم جاي خود را به ديگري دادند؛ به عبارتي، هر يک­سال و شش ماه، يک واليِ جديد منصوب مي­شد.

آگاهي­هاي­ پراکنده­ي به دست آمده، نشان مي­دهد، بي ثباتي سال­هاي1877 تا 1882 و نزاع­هاي برتري­جويانه ميان امير عون الرفيق و والي عثماني، عثمان نوري پاشا، که تا سال1886 به طول انجاميد، هيچ­کدام نتوانست روابط اقتصادي عثماني را با ولايت حجاز به تيرگي بکشاند.

به نظر مي­آيد که کمک­هاي مالي ويارانه­هاي دولت عثماني به حجاز، موجب شده بود که اين ايالت به يک خود مختاريِ دروني برسد، با اين حال، اهمّيت مذهبي حجاز مانع از وارد آوردن فشار اقتصادي در جهت مقاصد سياسي مي­شد. دولت عثماني ماليات کمي را براي حجاز مقرر کرده بود و با کمک­هاي ديگرش،اين ولايت را به ممتازترين و ثروتمندترين ايالت منطقه بدل نمود. [1] البته حجاز نه تنها از عثماني که از مصر، دولت مسلمانان هند و تمام مسلمانان جهان کمک­هاي مالي و هديه دريافت مي­کرد. [2]

ماهيت روابط اقتصادي حجاز و دولت عثماني دردفاتر بايگاني و اسناد ايالت، قابل تحقيق و تفحّص است. بودجه ولايت و مکه، مخارج سور(هديه­هاي ساليانه­اي که به سلطان اعطا مي­شد) و شهادتنامه (وجوه پرداختي براي توصيه­نامه­ها) و همچنين ترميم سيستم آبرساني مکه، گوياي برخي از منافع عثماني در حجاز است.

هرچند که هزينه­هاي به دست آمده، در دفاتر ثبتي مشخص شده­ است، اما بايد در نظر داشت که اين اظهار نامه­هاي ماليِ رسمي، گوياي تمام واقعيت نيستند؛ چرا که راه­هاي در آمدي ديگر، مانند درآمدهاي حاصله از ارعاب و اخافه (اخاذي)، هزينه­هاي خدمات ويژه و ماليات بر در آمد اجاره بهاي شتر نيز وجود داشت که غير رسمي بودند و در جايي به ثبت نمي­رسيدند. [3]

بودجة ولايت و مکه در دفاتر مالية سال 1300

در ماليه1300، جمع درآمد منطقة حجاز در سال5 ـ1884 مبلغي برابر با 905/518/25 کروس(ک) برآورد شده بودکه تنها 634/533/1ک.آن از عوايد محلّي به­دست آمده بود و بقيه، که مبلغي نزديک به971/984/23ک. بود را، خزانه­داري عثماني تأمين مي­کرد. به­عبارتي­ديگر، ماليات­هاي محلّي جدا از عوارض گمرکي، حتي کفاف مخارج ولايت را هم نمي­داد. [4] با مقايسة درآمد محلّي مکه (241/64 ک)، با جمع بودجة ساليانه­اش(278/392/5ک.)، در مي­يابيم­که اين درآمد محلّي، حتي کمتر از آن استان مي­باشد.

منبع درآمد محلي مکه،اجاره بهاي اوقاف بود نه ماليات بر درآمد اشخاص يا ماليات بر املاک. البته دولت مصر منبع ديگري براي درآمد مکه بود. اين دولت 12000 اَردِب گندم به ارزش 500/202/1ک. را براي مکه تأمين مي­کرد. اما بيشتر بار هزينه­هاي مکه بر دوش دولت مرکزيِ عثماني بود. دولت عثماني يک سوم يارانه را از خزانه اوقاف و بقيه را از محل اعتبارات خزانه مرکزي تأمين مي­کرد. [5]

در مناطق حاشيه­اي؛ مانند حجاز، امنيت امپراتوري ـ خلافت عثماني ـ با حفظ تفوّق نظامي در برابر مراکز قدرت و دول خارجي وهمچنين قبايل کوچ رو تأمين ميشد؛ معهذا سلطان، بخشي از هزينه­ها را براي تأمين امنيت حجاز اختصاص داده بود. امنيت داخلي نيز با اتکا بر وفاداري خلل ناپذير مسلمانان ِ عثماني تأمين مي­شد و دولت نيز با اهداي هدايا به افراد پرهيزگار وعلماي شهرهاي مقدس، احساس وفاداري آن­ها را تقويت مي­نمود.

هزينه­هاي ولايت حجاز گواه بر اختصاص بيشترين بخش بودجه؛ يعني رقمي معادل 634/471/14ک. به ارگان­هاي نظامي و انتظامي ونيروي در يايي است. [6]

هزينه­هاي مربوط به­زيارت، در درجه دوم اهميت قرار داشت­ که باز بخشي از همين بودجه نيز در ارگان­هاي نظامي وانتظامي به­جهت تأمين امنيت زائران در برابر يورش باديه­نشينان هزينه مي­شد. مبلغي را نيز به باديه نشين­ها پرداخت مي­کردند،هر چند با اين مبلغ امنيت زوار ابتياع نمي­شد ولي در آمدی کافي به آنها می داد که موجب مي­شد به مناطق تحت الحفظ عثماني در حجاز کمتر يورش ببرند.

تقريباً مبلغي حدود000/000/5ک. صرف هداياي ساليانة سلطان به­منظور مصارف مذهبي، دريافت محمل و پرداخت به باديه نشينان مي­شد. [7]

ميزان هدايا و مستمري­هاي اشراف، سادات و علما، برابر با 688/776/1ک. بود و همچنين مواد غذايي، حبوبات و غلاّت به ارزش891/555/2ک. در مکه، مدينه وجده توزيع می شد [8] و کمتر از 000/730/1ک. که بخش اندکي از بودجه بود، صرف دستمزدها و حقوق کارمندان دولتي و شهري مي­شد. [9] يارانه­هاي عثماني در حجاز بيشتر به شکل پول نقد يا برات وحواله توزيع مي­شد، اما تقريباً نزديک به يک چهارم کلّ بودجه 5/25 ميليون کروسي، به صورت جنسي و درشکل مواد غذايي ارائه مي­گرديد.

سه فقره از بزرگترين مخارج مکه مبالغ پرداختي به اشراف و سادات (064/544/1ک)، گندم ابتياع شده از مصر(500/202/1ک) و حقوق کارکنان کعبه (609/834ک) بود که اين مبالغ دو ثلث تمام مخارج را در بر مي­گرفت. بخش زيادي از بودجه ولايت، به کمک و صدقه به افراد مستمند اختصاص داده شده بود. اين مبالغ و هزينه­ها، چنانکه پيش­تر اشاره شد، شاهدي است بر وابستگي اقتصادي ولايت حجاز به باب عالي عثماني.

مخارج سور و اصلاحات آن

در اواسط سال1880 [10] وجوهي­که عثماني به حجاز فرستاد، برابر با 692/536/26ک. بود که 889/039/8ک. براي سور و بقية آن در ولايت صرف شد.

در دفاتر مالية 1300، که از بودجه حجاز ترتيب داده شده، تمامي ارقامي­که براي سور منظور شده­اند و نوع و محل خرج وجوه به تفصيل آمده است.

از محل اعتباراتي که براي سور در نظر گرفته شده بود، حدود000/900/2ک. آن در شهرهاي مقدس هزينه شدند که 908/984ک. سهم مکه و373/922/1سهم مدينه شد . در واقع اين مبالغ سه برابر دريافت­هاي گذشته بود. [11] آرايش جديد رده­هاي پرداختي به گروه­هاي دريافت کننده منابع پولي به سبب اهميت مشاغل افرادي بود که در کعبه، آرامگاه حضرت پيامبر اکرم(ص) و مسجد النبي مشغول به خدمتگزاري بودند.

نزديک به نيمي از جمع اعتبارات سور را به صورت کمک­هاي نقدي و غير نقدي، مستقيم يا غير مستقيم، به مقامات مسجدِ اين دو شهر مقدس مي­دادند. در عوض، صدقه وخيرات به افراد مستمند و ارائة آموزش­هاي مذهبيِ لازم به آن­ها، تنها 000/847ک. هزينه داشت و علمايي­که با دو مجموعة کعبه و مسجدالنبي همکاري نداشتند, کساني که براي مقاصد ديگري به عبادت مي­پرداختندو مؤسسات خيريه ای مانند بيمارستان­ها تنها000 /448 ک. دريافت مي­کردند. [12]

منبع تأمين وجوه، در درجه اول خزانه­داري دولت مرکزي و خزانه اوقاف بود. متأسفانه تفکيک هداياي اوقاف، از هدايايي­که مشترکاً با خزانه سلطنتي اهدا مي­شد، غير ممکن بود. هداياي مشترک، به­ويژه آن­هايي که سلاطين پيشين اعطا کرده­اند و درآمد­هاي اوقاف که به سور اختصاص داده شده بود 484/122/2ک. از 000/500/3ک. را تشکيل مي­داد که اين منابع با مجموعه هداياي خزانه امپراتوري، خزانه شخصي سلطان، خزانه حرمين شريفين وحواله­هايي که در ولايت سور به ثبت مي­رسيد و بعدها خزانه ايالتي سوريه، خود پرداخت آن­ را تقبل مي­کرد، تکميل مي­شدند. [13]

وجوه سور به دو شکل به حجاز مي­رسيد؛ در صورت نخست، حدود دو سوم آن به صورت نقدي وهميان­هاي پر از سکه اي بود که از استانبول به مکه و مدينه ارسال مي­شد و درصورت دوم، حواله­هايي بود که در سور به چاپ مي­رسيد. [14]

دفاتر ثبتي و بايگاني، اطلاعات هر يک از هزينه­ها؛ از قبيل مقدار، منبع و مقصود هر نوع هدايايي را که به شهرهاي مقدس مکه و مدينه ارسال مي­شد را در خود نگاه مي­داشتند. [15] بخش زيادي از مبلغ 000/000/8ک. مختص به سور، خارج از مکه و مدينه هزينه مي­شد. بيش 000/000/4ک. در نقل و انتقال سور، دريافت محمل­هاي سوري و زائران استانبولي ـ که از راه دمشق مي­آمدند ـ به مصرف مي­رسيد. سه مورد ديگري که نشان مي­دهد هزينه­هاي مربوط به سور، در خارج از مکه و مدينه به مصرف مي­رسيدند، عبارت­اند از:

000/600/3ک. براي تهيه و تدارک اسباب و ملزومات سفر زيارتي.

00 0/245/1ک. که به باديه نشين­ها پرداخت مي­شد.

و250/523ک. که مربوط به هزينه­هاي سرپرست سور يا سور اميني بود.[16]

به سبب تغيير وضعيت ارتباطات و روش­هاي حمل و نقل و همچنين کسري بودجه دولت مرکزي، نياز به صرفه­جويي وتغيير برنامه­هاي مالي به عنوان امري مهم در رأس برنامه­ها قرارگرفت.

ايوب صبري پاشا بعد از مطالعه هفت ساله­اش بر مخارج و هزينه­هاي حجاز، تقليل مخارج را امري ممکن و به عنوان کمکي به خزانه دولت مرکزي پنداشت.

ابوالهدي صياد، [17] مشاور مذهبي سلطان عبد الحميد دوم، که برکتاب «تاريخ حجازِ» تأليفِ ايوب صبري، پيشگفتاري تحسين بر انگيز نگاشته بود، از تلاش­هاي وي در جهت تقليل مخارج حجاز حمايت مي­کرد.

ايوب صبري تخفيف مخارج سور را نقطه ی آغاز تصميماتش قرار داد و در اين راستا 000/150ک. از دستمزد و حقوق سور الاميني کاست.

باآمدن سيتسم ارتباطي تلگراف و ايجاد امکان حمل­ونقل دريايي، بسياري از مخارج ديگر سور نيز از بين رفت. ديگر لازم نبود براي ارسال دفاتر ثبتي، به انتظار بازگشت کاروان­هاي شتر نشست وهمچنين با توسعه ی حمل ونقل دريايي، کارگراني ­که مأمور ارسال عطر به حجاز بودند، مي­توانستند در جاي ديگر و به شکلي مفيدتر به کارگرفته شوند.

صورت اجرايیِ برنامه­هاي پيشنهادي صبري، در جهت تقليل مخارج، بدين شکل بود که او مبلغ 023/35ک. را در اختيار امير مکه قرار داد تا از آن منبع براي خريد اسب و زين استفاده نمايد و بدين شکل دريافت محمل را محدود نمود [18] و مبلغ 18000کروسي را که در هزينه­هاي سور الاميني جهت پذيرش ميهمان [19] و000/24 ک. را که به جهت ارسال بخورات منظور شده بود، اسرافکارانه عنوان کرد و از پرداخت اين مبالغ امتناع ورزيد. جلوي هزينه­هايي که سور الاميني جهت خريد زمين­هاي غير مسکوني، براي برپايي خيام در نظر داشت، ايستاد و اين موجب شد که حداقل مبلغ18750ک. پس انداز شود. [20]

ايوب صبري در راستاي تحقق آرمانش ـ که تقليل و تخفيف هزينه­ها بود ـ حتي از پرداخت هزينه­هاي جزئي (1875ک.)که صرف ساخت جعبه­هاي مخصوص عطر مي­شد نيز امتناع ورزيد. [21]

به غير از هزينه­هاي سور، دومين مورد دیگری که تخفيف در هزينه­هاي آن امکان پذير مي­نمود، کمک 000/000/3 کروسي به دستگاه­هاي ذی ربطِ آماده­سازي اسباب سفر­هاي زيارتي بود. او پيشنهاد کرد که 000/111ک. از اين مبلغ که با تقليل مخارج در 1. دستمزد کارمنداني­ که در امر زيارت دخيل­اند ولي ساکن دمشق هستند و به مسافرت نمي­روند. [22] و2. تقليل 000/63ک. از هزينه­اي که صرف اجاره شتر براي حمل و نقل حبوبات وغلات از مضيرب در جنوب شرقي دمشق به مدائن صالح در شمال حجاز مي­شود. پس­انداز شود.

از نمونه­هاي بازر اسراف در هزينه­ها، ارسال ردا ولباس­هاي پوستين تزيين شده براي علماي حجاز بود که با توجه به گرماي سوزان حجاز، کاري بس بيهوده و عبث مي­نمود که هزينه­اي به مبلغ 000/70ک. را نيز در برداشت و صبري پاشا توانست جلوي اين هزينه را بگيرد. [23]

پول­هايي ­که به قبايل باديه نشينِ ساکن در سوريه و شمال حجاز پرداخت­ مي­شد، بيشترين بخش بودجه و هزينه را شامل مي­گرديد و اين سوّمين موردي بود که صبري در آن امکان پس انداز ديد.

به کمک­هايي که پيش­تر براي قبايل صخر، رولا، ولد علي، عنيزه، حسن وباديه نشينان نزديک مضيرب فرستاده مي­شد، مبلغ000/440ک. افزوده شده بود و این قبایل ساليانه مبلغي معادل 000/245/1 دريافت مي­کردند که ايوب توانست 000/100ک. از آن را کسر و پس انداز نمايد.

اصلاحات در شهادتنامه و اکراميه

مؤسسات خيرية پادشاهي در حجاز و ديگر مناطق امپراتوري، دست­اندر کارِ تهيه شهادتنامه و اکراميه بودند. [24] هزينه­هاي شهادتنامه، از عُشر ماليات بر درآمد کارکنان گارد دولتي تأمين مي­شد. در حجاز دويست ونود ونُه نفر واجد شرايط دريافت وجوه از اين طريق بودند که از آن ميان؛ اشراف، سادات، خطيبان، مديرانِ سازمان­هاي خيريه، خادمان حرمين شريفين وعابدان شهرهاي مقدس بودند.

تخفيف در هزينه­هاي شهادتنامه به چند صورت انجام گرفت:

در مالية سال1299 /1882 ـ 1881

شوراي دولت بودجه شهادتنامه را از750/034/7ک. به 550/988/4 کاهش داد. [25]

علاوه بر اين، بخشي از مبلغ شهادتنامه که در خارج از مکه ومدينه براي افراد صرف مي­شد، از اين به بعد کسر گرديد. اين مبلغ در ابتدا چيزي نزديک به 250/775ک.که بيش از يک سوم آن؛ يعني حدود720/286ک.آن کسر گرديد. [26]

بعد از مدتي، دولت مرکزي متوجه شدکه برخي با وارد کردن اسامي جعلي در دفاتر ثبتيِ يارانه، اقدام به گرفتن يارانه مي­کنند و يا افرادي که مستحق دريافت يارانه نيستند، اقدام به اخذ آن مي نمايند و بعد با فروش امتياز خود به کارگزار دولت در استانبول، به مال اندوزي مي پردازند. در اين راستا دولت مرکزي در صدد برآمد تا جلوي مفاسد وتخلفات و تقلب­ها را با ايجاد روشهاي جديد توزيع يارانه بگيرد.

بعد از سال 1882 براي کساني که در مکه ومدينه يارانه دريافت مي­کردند، تذکره­هايي ترتيب دادندکه در بردارنده ی اطلاعات شخصي دريافت کننده؛ از قبيل نام، سن، وزن، رنگ چشم و... بود [27] و افرادي که شهادتنامه در يافت مي­کردند، از دريافت اکراميه (کمک دولتي) در همان زمان محروم مي­شدند. [28] برطبق روش­هاي جديد توزيع يارانه، به کارمندان خزانة ولايت حجاز، کودکان خردسال، برده ها، خدمتکاران وبازرگانان، يارانه تعلّق نمي­گرفت.

تخفيف­هاي همگاني که در اکراميه و شهادتنامه اعمال شد، به ميزان برابر براي ساکنان مکه ومدينه و ديگر گروه­هاي اجتماعي اجرا مي­شد. حتي حقوق پانزده نفر از اشراف، سادات، ائمه و خطيبان، که هدايا و وجوه خود را از امير يا نسبتاً به­طور مستقيم از کارمندان عثماني در يافت مي­کردند، از 5500ک. به3660ک. تقليل يافت. [29]

ترميم سامانه ی آبرساني مکه

در واقع علل ورشکستگي دولت عثماني در دهه ی هفتاد قرن نوزدهم را میبایست در تلفيق درآمدهاي معيّن و هزينه­هاي فزاينده ی غربي کردن نيروي نظامي و جنگ بررسي کرد.

ورشکستگي و مشکلات مالي دولت عثماني در حجاز، به­صورت بسيار چشمگيري خود نمايي مي­کرد. به­واسطه مصايب مالي بود که دولت عثماني مسئوليت مرمّت يا احداث هيچ بناي جديدي را عهده دار نمی شد و حتي به رغم اين­که سفرهاي زيارتي شریان حيات حجاز بود، در تسهيل شرايط سفرها و بهبود اوضاع امنيتي و سلامت زائران در طول مسير سفرشان هيچگونه خدمات مناسبي ارائه نگرديد.

از دوران حکمراني امير عبد الله محمد بن عون (77ـ1857) هيچ گزارشي از ترميم يا احداث ساختمان­هاي اصلي در دست نيست. گرچه کار ناتمام ترميم برخي از اماکن بين سال­هاي1881ـ 1878 به پايان رسيد وليکن اين به سبب حضور والي فعالِ جديدِ عثماني، عثمان نوري پاشا بود که پويايي خود را در شروع فعاليت­هاي ساختمان­سازي نشان داد. [30]

عثمان نوري در نخستين سال حکومتش به مرمت و گسترش مدرسه ی داووديّه، تعريض دروازه ی ابراهيم و مرمّت دروازه ی عالي مکه پراخت و بعد از فراغت از اين اعمال،مسير دروازه ی ابراهيم به کعبه را تعريض و تعمير نمود.

او کتابخانه­اي را که سلطان عبدالمجيد دوم در سال­هاي 46 ـ 1845 احداث کرده بود، به مدرسه ی سليمانيّه منتقل نمود. [31]

در سال3 ـ 1882 عثمان با همکاري امير عون الرفيق تعميرات جزئي در حرم انجام داد. وي همچنين يک عمارت دولتي و يک پايگاه شهرباني احداث کرد. به مرمّت پادگان طائف پرداخت و نيز مقرّي را براي توپچي­هاي مکه ايجاد نمود .[32] اغلب اعمالي که در مکه و حجاز صورت مي­گرفت، در جهت تقويت بنيه ی نظامي قرار داشت و بيشتر بودجه را به اين مهم اختصاص مي­دادند.

در سال 1882 والي توجه خود را به ترميم سامانه ی آب­رساني مکه معطوف کرد. تقريباً نيمي از آب مصرفي مکه از چشمه­اي بنام «عين زبيده» تأمين مي­شد. مجاري آبي عين زبيده بكبار در سال­هاي 71ـ1770 و20ـ1819 ترميم شده ودر سال 47ـ1846 با افزودن چاه جديدي توسعه يافته بود. [33]

در سال1878 شيخ بلند نظر، عبد الرحمان سراج، مفتي حنفي مذهب مکه با به­کار گيري زائران هندي و باديه نشينان، تا اندازه­اي سامانه ی آب­رساني مکه را تعمير نمود. پيرو اين مسأله، سلطان براي استحصال ميزان بيشترآب، کميته­اي را به رياست شخص عبد الرحمان سراج، به منظور نظارت بر تعميرات اساسي عين زبيده در محرم سال1296/دسامبر1878 ـ ژانويه1879 تشکيل داد. [34]

به­خاطر کسري بودجه دولت مرکزي، کميته هيچ کمک مالي ای از دولت درخواست نکرد و توانست هزينه ي تغييرات برنامه­ريزي شده را از محل کمکهاي­ مسلمانان متموّل حجاز، مصر و هند000/400/2 تأمين نمايد.[35]

کميته ی سامانه ی آب­رساني، با تعمير مجاري عين زبيده و انتقال آب به­وسيله ی لوله­هاي زير زميني از وادي نُمن وحنين به طرف مکه، تغييرات اساسي ای را در جهت بهبود شبکه ی آبرساني معمول داشت. به سبب اين­ که شبکه ی جديد آب­رساني, توانايي تأمين 000/000/5 اکا[36] آب در هر دقيقه را براي مکه اشت[37] و آب انبارها و مخازن موجود، ظرفيت نگهداري اين حجم آب را نداشتند و همجنين به­دليل تغيير مسير کانال­ها، هيأت مسئول، به ايجاد مخازن وآب انبارهاي نوبنياد در تمام سطح شهر پرداختند.

انجام

يارانه­هاي دولت مرکزي عثماني به حجاز، در مقايسه با درآمد محلي که به­دست مي­آورد، بسيار بيشتر بود، اما به نظر نمي­آيد که والي عثماني در مبارزات سياسي­اش با امير، از وابستگي اقتصادي حجاز به دولت مرکزي به عنوان برگ برنده يا سلاحي در برابر او استفاده کرده باشد.

بيشترين يارانه­اي­که به ايالت حجاز پرداخت مي­شد، براي تقويت بنيه ی نظامي هزينه مي­شدکه مي­توانست پشتوانه­اي براي والي باشد.

کمک ديگر دولت عثماني، به سلسله مقامات روحاني وشيوخ مساجد شهرهاي مقدس بود که البته به منظور جلب حمايت افراد متّقي حجاز و ديگر مناطق انجام مي­شد.

اصلاحاتي نيز در رابطه با محدود کردن و يا شايد از بين بردن اسراف و فساد در روش پرداخت يارانه­ها صورت گرفت که موفقيت­هايي نيز به­دست آورد؛ مثلاً با ابداع روش تذکره­ها، برخي از تخلّفات آشکاري که صورت مي­گرفت تصحيح شدند.

و سرانجام، شبکة آبرساني «عين زبيده» پيشرفت قاطع دولت عثماني در مکه را نشان داد. اما نبايد اين مسأله را از نظر دور داشت که افتخار پيشگامي در ارئة پيشنهاد و مسؤوليت تأمين هزينه ی انجام پروژه، از آنِ دولت عثماني نبود.

(انستيتو پلي تکنيک ويرجينيا ـ بلکزبرگ، ويرجينيا)

[1] . France.Ministere des affaires Etrangeres.Turquie،Politique interieure:Arabie،Yemen-Pelerinage de la Mecque I،L.Querry(jidda) to Hanotaux.10 August1896

[2] . توضیح در مورد هدایايی که از مصر دریافت می­شده، خارج از چارچوب وگنجايش این نوشته است، اما این را باید در نظر داشت که این هدایا بخش مهمی را به خود اختصاص می­دهند. برای آگاهي بيشتر از این موضوع، ر.ک. به: ابراهیم رفعت پاشا، مرآت الحرمین، (قاهره، مطبع دارالکتب المصریه1344/ 1928)

[3] . منابع درآمدی غیر رسمی در کتاب

I,164-5 C.Snouk Hurgronge,Mekka(The Hague:Martinus Nijhoff;1888)

آمده است.

[4] . سالنامة ولایت حجاز در سال1301 (مکه، ولایت حجاز 1301/ 1886ـ 1885) صص 174ـ 168

[5] . سالنامة ولایت حجاز در سال1301. صص180 ـ 178

[6] . سالنامة ولایت حجاز در سال1301، ص175. موضوعات مشابه در باب انواع دیگر مخارج امنیت داخلی در بودجة ولایت سوریه را می­توانید درVilayet of Syria budgets,Najib E.Saliba,Wilayar Sûriyyâ1875-1909(unpublished PH.D dissertation,University of Michigan1971)pp 355-367 بينيد

[7] . سالنامة ولایت حجاز در سال1301. ص173

[8] . سالنامة ولایت حجاز، ص169

[9] . سالنامه ولایت 1، ص171

[10] . ایوب صبری پاشا، اطلاعات مالی را تهیه کرده، مرآت الحرمین، بخش ب، مرآت المکه (استانبول 1306/9ـ1888) (از این پس، از این منبع با عنوان صبری یاد خواهد شد) صص717 ـ 685، در متن تاریخ گذاری نشده. بر اساس دلالت های درونی متن، احتمالاً صبری پاشا در سال مالیه1297/2-1881 در 1306هـ .ق./9 ـ 1888 یا حوالی همین زمان­ها فرستاده است. این بیشتر نزدیک به اطلاعات سالنامة حجاز می­باشد.

[11] . صبری، ص691

به نظر می­رسد صبری در بارة هدایای مکه و مدینه سر در گم شده است. ارقامی که برای سور در صفحه 694 آمده، حدود 9/2 ميلیون ذکر شده ولی او درجای دیگر، صفحه691 مي­نويسد: مکه ومدینه به­ترتیب 865/074/1 و701/416/2 دریافت می­کردند. احتمالاً وجود عدم تطابق بین ارقام، به­خاطر وجوه تکمیلی است که خارج از بودجه پرداخت شده بود، اما این نکته به صراحت در متن آورده نشده است.

[12] . مجموعة شخصی نگارنده بر پایة اطلاعات کتاب «مرآت الحرمین» اثر صبری، صص90ـ 687

[13] . همانجا، صص690 ـ 687

[14] . همانجا، صص 690 ـ 686

[15] . همانجا، صص 4 ـ 693

[16] . صبری، صص5 ـ694 و 717. ممکن است که این موارد همپوشی کرده باشند. احتمالاًبه سبب وجود منابع گوناگون مالی و وکانال­های مختلف تخصیص هزینه­های بود جة حجاز نابسامانی­هايی در حساب­ها رخ داده است.

[17] . ابوالهدی الصیاد(؟ـ 7ـ 1937) تشکیل دهندة زاویه ی صیادی حلب هنوز مورد مطالعة مفصل قرار نگرفته است. بیشتر ارجاعات اخیر از: ال. هرزویچ، سلطان وخدیو 1892/1908، مطالعات آسیای شرقی،3،7 (اکتبر1972) ص304 می­باشد.

[18] . صبری، صص10 ـ 708

[19] . همانجا، ص711

[20] . همانجا، ص713

[21] . همانجا، ص711

[22] . همانجا، صص15ـ713

[23] . همانجا، ص715

[24] . در بارة اکرامیه سال1805 در

Richard Burton,Personal Narrative of a Pilgrimage to al Medinah and Meccah(London,Tylston and Edwards,1893)11.7

بحث شده است .

[25] . صبری، ص698

[26] . همانجا، صص704 ـ 697

[27] . یک نمونه از تذکره در همانجا، ص704 آمده است.

[28] . همانجا، ص706

[29] . همانجا، صص701 ـ 699

[30] . عثمان نوری پاشا، از سوي عثمانی مسؤول دو جانبه­ای در حجاز بود، حتی زمانی که احمد عزت از سال 1298/1-1880 تا 1299/ ـ2 ـ1881 والی حجاز بود، عثمان از ژوئن1882 تا دسامبر1886 رسماً والی حجاز بود (سالنامة ولایت حجاز، ص404 ؛ اسنوک هارگرنج، مکه، 1،176)

[31] . سالنامة ولایت حجاز، ص22 ؛ صبری، .صص9 ـ 776

[32] . سالنامة ولایت حجاز، صص23،41 ؛ صبری، صص2 ـ 781

[33] . صبری، صص8 ـ 747

[34] . صبری، ص750 ؛ سالنامة ولایت حجاز، ص107 سرپرست کمیته در سال 1301/1883 ـ 1884 پسر امیر قبلی، شریف حسین بن شریف یحیی بود. صادق بیگ، که یک افسر عثمانی بود، مسائل مربوط به ترمیم را سرپرستی می­کرد. نگاه کنید به سالنامة حجاز، صص5 ـ 124

[35] . اسامی برخی از اهدا کنندگان در صبری، صص2 ـ 750 آمده است. به­خصوص روزنامه مصری الجوائب در تأمین اهدايیه­ها بسیار فعال بود. بقية تغییرات شبکة آب­رسانی عین زبیده در سال 8 ـ 1906 تکمیل شد که هزینه­های آن نیز از طرف مسلمانان جهان اعطا شد. بریتانیای کبیر، دفتر خارجي 95/ 2224 ام. حسین(جده) به اکانر..25 جولای1906

[36] . یک اکای مصری که در جده کاربرد داشت، نمایندة میزانی برابر با1050گرم بود

[37] . صبری، صص8 ـ 754